

واکاوی تجربه دوره نوجوانی در ساخت هویت دینی دختران

ساره ناییب آستانه^۱، منصوره حاج حسینی^۲، لیلا چراغ ملایی^۳

چکیده

هویت دینی به دلیل نقش بسیار زیادی که در فهم معنا و چگونگی زندگی دارد، یکی از مهم‌ترین ابعاد هویت است. هدف از پژوهش حاضر واکاوی تجربه دوره نوجوانی در ساخت هویت دینی دختران است. این پژوهش در رویکرد کیفی و به روش پدیدارشناسی تفسیری انجام پذیرفت. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش شامل ۲۱ نوجوان دختر در محدوده سنی ۱۳ تا ۱۶ سال بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس برگزیده شدند. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با پرسش‌های باز و استاندارد شده بود. داده‌ها بر پایه روش کلاسی، تحلیل، طبقه‌بندی و پردازش شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها منجر به استخراج ۳ مضمون اصلی، ۱۲ مضمون فرعی و ۴۰ مفهوم اولیه گردید. مضامین اصلی عبارتند از: باور و مفهوم دینداری از نظر نوجوانان، آموزش و الگوگیری در هویت دینی نوجوان و نگرش به خود به عنوان فرد دیندار. بر اساس یافته‌ها می‌توان گفت بخش مهمی از فرایند شکل‌گیری هویت دینی نوجوان می‌تواند برگرفته از تعاریف دینی او باشد که این تعاریف می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلف فردی یا اجتماعی قرار گیرد. برخی از این عوامل عبارت است از تجربه دینی نوجوان در باورها، میزان عمل به دین و بازخوردهای مذهبی که در فضای خانواده، مدرسه و ارتباطات با همسالان دریافت کرده است. چگونگی این تجربه از هویت دینی می‌تواند نوع نگاه نوجوان نسبت به خود، آینده و میزان رضایت از زندگی دینی‌اش را تغییر دهد.

واژگان کلیدی: هویت، هویت دینی، نوجوانی، پدیدارشناسی

۱. کارشناس ارشد مشاوره مدرسه، دانشکده روانشناسی و علوم تربیت، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۲. استادیار گروه مشاوره و روانشناسی تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۳. استادیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.

Analyzing the Experience of Adolescence in the Construction of Girls' Religious Identity

Abstract

Religious identity is one of the most important dimensions of identity due to the great role it plays in understanding the meaning and way of life. The purpose of the current research is to analyze the experience of adolescence in the construction of girls' religious identity. This research was conducted in a qualitative approach and interpretive phenomenological method. The participants in this research included 21 adolescent girls in the age range of 13 to 16 years who were selected by available sampling method. The data collection tool in this research was a semi-structured interview with open and standardized questions. The data were analyzed, classified and processed based on the Colaizi method. Data analysis led to the extraction of 3 main themes, 12 sub-themes and 40 primary concepts. The main themes were: the belief and concept of religiosity from the point of view of teenagers, education and role modeling in the religious identity of teenagers and their attitude as a religious person. Based on the findings, it can be explained that an important part of the process of forming a teenager's religious identity can be derived from his religious definitions, which can be influenced by various individual or social factors. Some of these factors include: the religious experience of the teenager in Beliefs are the extent of practicing religion and religious feedback received in the environment of family, school and communication with peers. How this experience of religious identity can affect the way a teenager looks at himself, the future, and the level of satisfaction with his religious life. to face changed.

Keywords: identity, religious identity, adolescence, phenomenolo

مقدمه

نوجوانی یکی از دوره‌های مهم رشد فرد و بهترین فرصت برای آموختن، اندوختن و شکفتن است. یکی از جنبه‌های مهم رشد در دوران نوجوانی شکل‌گیری هویت است. در واقع کاوش درباره‌ی خویشتن و تلاش برای پاسخ به پرسش من کیستم همواره از مسائل جذاب و چالش‌برانگیز بشر بوده، اما تحولات جوامع در عصر مدرن و لزوم آموزش رسمی نسل جوان، موضوع هویت و هویت‌سازی را به مسأله‌ی اساسی نظام‌های تعلیم و تربیت تبدیل کرده است، زیرا مفهوم هویت از سویی معنای درونی و شخصی از یکپارچگی خود را شامل می‌شود و از سوی دیگر محصول تبادلات دائمی فرد در بافت‌های اجتماعی و تربیتی است.

اریکسون^۱ (۱۹۶۸) هویت را یک احساس درونی نیرومند، منسجم و مستمر درباره‌ی خود توصیف می‌کند که محصول تجربه‌ی فعال فرد در غوطه‌وری در بحران کشف خوشتن است. فرد در دستیابی به این حس درونی یکپارچه و باثبات از خویشتن، با تنش‌پویایی از عدم ثبات، جستجو و تجربه‌ی دائمی مواجه می‌شود. به نظر مارشیا^۲ (۱۹۸۰) هویت به مفهوم وجودی، یک سازمان درونی از نیازها، توانایی‌ها و ادراک خویشتن اشاره دارد، اما همچنین یک موضع اجتماعی ایدئولوژیک است که از فرایند پویای کشف خود و سپس تعهد به اصول شخصی حاصل می‌گردد. هویت را می‌توان مفهوم وجودی فرد تعریف کرد که از طریق آن، در بافت اجتماعی به عنوان یک شخص منحصر به فرد توسط دیگران شناخته می‌شود، و همچنین توان و قدرت حرکت را در جهت و مسیر رضایت‌بخشی در زندگی برای فرد فراهم می‌کند (کروگر^۳، ۲۰۱۵).

بنابراین هویت، به عنوان روایتی از خویشتن خود در زندگی فردی و اجتماعی، متشکل از هر دو عناصر روانشناختی و اجتماعی در بافت تربیتی زندگی فرد است، به نحوی که به تجربه‌های گوناگون زندگی فرد نوعی نظم و منطق روایی می‌بخشد و هدف و معنا را در زندگی او به تصویر می‌کشد (مک‌آدامز^۴، ۲۰۱۸). البته همه‌ی نوجوانان و جوانان به طور کامل موفق به کسب هویت نمی‌شوند. بسیاری از آن‌ها با بحران هویت روبه‌رو هستند و برای خروج از بحران هویت، باید در پی ارزش‌های مثبت و پایدار در فرهنگ، مذهب یا ایدئولوژی خود باشند تا از سردرگمی هویت رها شوند و هویت اصیل خویش را باز یابند،

1. Erikson
2. Marcia
3. Kroger
4. McAdams

چرا که فرایند کسب هویت و داشتن ارزش‌ها و اهداف با هم ارتباط متقابل دارند (برزونسکی و کوک^۱، ۲۰۰۵).

بر این اساس، دین به عنوان مبانی ارزشی و اخلاقی، رفتار و سلوک زندگی، نقشی اساسی در ساخت هویت فرد دارد. دین باعث احساس معنابخش بودن زندگی و به نوعی پاسخ به سؤالات نوجوان در مورد هدف و معنای زندگی می‌شود و از این رو، دین با وجود افزایش و شدت یافتن فرایندهای توسعه و نوسازی در تمام ابعاد خود، همچنان منبع مهمی برای هویت و معنابخشی در این جهان متجدد و آشفته است (بخشایش، ۱۳۹۲). کینگ و بویاتزیس^۲ (۲۰۱۵) با توصیف مذهب به عنوان ادراکی جامع و سازمان‌یافته، ارزشی، ایدئولوژیک و برآمده از درون سیستم اجتماعی، فرهنگی و تاریخی، مذهب و معنویت را دو عامل اساسی رشد هویت در جوانان می‌دانند. برزونسکی و کینی^۳ (۲۰۱۹) نیز دین را منبع اولیه معنابخشی و هویت‌بخشی به زندگی فرد مطرح کرده و از این رو هویت دینی را بخش مهمی از هویت‌یابی در دوران نوجوانی می‌دانند، زیرا نوجوانی دوران کشف، بازیابی و ساخت نظام ارزشی شخصی است و بر این اساس بنیان‌های ارزشی و معناساز برآمده از نگرش دینی سهم مهمی در ساخت هویت نوجوان دارد (کاپلان^۴، ۱۳۹۵).

پژوهش‌ها نیز به نقش و تأثیر هویت دینی در رشد شخصیت نوجوان پرداخته‌اند. کلانتون^۵ (۲۰۲۱) نشان داد نوجوانان با هویت دینی رشد یافته‌تر در جهتگیری شناختی و عاطفی از خود به سمت معنا یا هدفی بزرگ‌تر از خودشان تکیه دارند و این خود اعتماد به نفس قوی‌تری در آن‌ها به وجود می‌آورد. قیاس و شهیدا^۶ (۲۰۲۱) نیز نشان داده‌اند جوانانی که هویت مذهبی قوی دارند، به احتمال زیاد چارچوب معناداری ایجاد می‌کنند که به زندگی‌شان جهت و هدف می‌بخشد. همچنین کارپنتر^۷ و همکاران (۲۰۱۲) نشان دادند نوجوانان با تعهد بالا به مذهب، به مدد باورهای مذهبی خود، تاب‌آوری بالاتری دارند و قادرند با تجربیات نامطلوب زندگی بهتر کنار بیایند. دایپرو^۸ و همکاران (۲۰۱۸) نشان دادند نوجوان با باور و ایمان در سطوح بالاتر امید قرار دارند و در مقایسه با نوجوانان

1. Berzonsky & Kok
2. King & Boyatzis
3. Kinney
4. Kaplan & Sadock
5. Clanton
6. Ghayas & Shahida
7. Carpenter
8. DiPierro

با باور مذهبی پایین‌تر، سطح پایین‌تری از اضطراب را نشان می‌دهند. کلیس^۱ و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند هویت دینی نوجوانان می‌تواند مهارت‌های تصمیم‌گیری را در آن‌ها بهبود بخشد و مهارت‌های مقاومت آن‌ها در برابر فشار اجتماعی را تقویت کند.

اما مسئله از آنجا نشئت می‌گیرد که امروزه هویت دینی تحت تأثیر رسانه‌های مدرن قرار گرفته و در این دنیای مدرن، هویت‌یابی افراد سیال و چندگانه شده است. رواج ارزش‌های گوناگون، از جمله لذت‌گرایی، مصرف‌گرایی و فردگرایی، تعلق خاطر نوجوانان به مبانی ارزشی دینی را تحت تأثیر قرار داده و به تبع آن، ساخت هویت دینی به خصوص در میان نوجوانان با چالش مواجه شده است (باریت^۲، ۲۰۱۰). در دنیای کنونی، هویت دینی مبنا و معنای گذشته خود را از دست داده و موجب چالش‌ها و بحران‌های هویتی شده است. نوجوانان با افزایش سن، در معرض خطر بزرگ‌تری در راستای هویت مذهبی قرار می‌گیرند (سفیری و نعمت‌اللهی، ۱۳۹۱). پژوهش‌های انجام‌شده داخلی در این حوزه بیشتر به تأثیر شبکه‌های مجازی و ارتباط آن با هویت دینی پرداخته‌اند؛ برای مثال رفیعی راد (۱۳۹۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که هرچه مدت زمان عضویت و میزان استفاده از اینستاگرام و تلگرام بیشتر باشد، هویت دینی کاربران ضعیف‌تر می‌شود. با بررسی مفهوم هویت دینی در پژوهش‌ها، لو^۳ (۲۰۱۸) در تعریف خود نسبت به هویت دینی اشاره می‌کند که هویت دینی دربرگیرنده دو کارکرد معنوی و فرهنگی است و به عنوان خودشناسی یک فرد با یک گروه اجتماعی فرهنگی مرتبط با یک قدرت برتر تعریف می‌شود. همچنین در کسلر^۴ (۲۰۲۱) هویت دینی را متشکل از باورها، ارزش‌ها، اعمال مذهبی، سنت‌ها و تجربیات اجتماعی مذهبی می‌داند. در یک بررسی دینداری نیز اشاره شده است که هویت دینی به طور گسترده‌ای جنبه عملیاتی و رفتاری دارد و به اعمال مخصوص مذهبی در مقابل غیرمذهبی‌ها و گرایش‌های مذهبی منجر می‌شود (سارگلو^۵، ۲۰۱۲).

در حوزه ارتباط هویت دینی و تعاملات خانوادگی و اجتماعی، پرائیتاساری^۶ (۲۰۱۹) به اهمیت سبک تعاملی والدین با اکتشاف‌گری مذهبی نوجوان اشاره می‌کند. بر اساس این نتایج، به هر میزان که والدین سبک تعاملی آزادتری با نوجوان داشته باشند،

1. Kulis
2. Barrett
3. Low
4. Drexler
5. Saroglou
6. Prawitasari

تمایل و موقعیت نوجوان در خصوص اکتشاف در حوزه هویت دینی بیشتر است. همچنین در پژوهش کلی^۱ (۲۰۱۵) اشاره شده که تأثیر خانواده‌ای که در جوامع کمتر مذهبی زندگی می‌کنند، بر هویت دینی قوی‌تر است تا جوامعی که دینداری بیشتری دارند. آرویک و نسبت^۲ (۲۰۱۰) می‌گویند که خانواده نقش مهمی در انتقال فرایندهای دینی ایفا می‌کند، به طوری که تداوم یا عدم تداوم سنت‌های مذهبی در خانواده‌های مذهبی نقش قابل توجهی در پیش‌بینی هویت دینی نوجوان دارد. پژوهش شک^۳ (۲۰۱۱) در تحقیقی در قالب بازبینی مفهومی هویت، به این نتیجه رسید که عوامل محیطی متنوع، از جمله خانواده، تأثیر همسالان و برداشت نوجوانان از معنویت بر هویت آن‌ها تأثیر می‌گذارد، و به ویژه میان معنویت و رشد مثبت در دوره نوجوانی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. شواهد پژوهش فلت^۴ (۲۰۱۸) حاکی از آن است که تشکیل هویت دینی به بافت موجود در زندگی فرد وابسته است؛ به عبارتی، والدین و همسالان بر اساس سبک اجتماعی موجود، می‌توانند تأثیرات متفاوت و برجسته‌ای بر هویت دینی داشته باشند.

در مجموع باید گفت سردرگمی در هویت‌یابی نوجوان می‌تواند باعث اخلال در درونی شدن ارزش‌ها و هنجارهای دینی نیز گردد. در این حالت، نوجوان نمی‌تواند در مواجهه با چالش‌ها و شبهات دینی، از اعتقادات خود دفاع، و از خود در برابر هجمه‌های ضددینی محافظت کند. اینجا لزوم دقت و توجه بیشتر به فرایند شکل‌گیری هویت دینی در مواجهه با منابع مختلف هویت‌یابی احساس می‌شود. بنابراین پژوهش حاضر بر پایه تعاریف، تجربه و نگرش نوجوان درگیر در فرایند هویت‌یابی، به برخی بسترها و منابع اثرگذار در ساخت و بازبینی هویت دینی در آن‌ها پرداخته و با واکاوی تجربه نوجوانی در ساخت هویت دینی، به دنبال بررسی ابعادی است که در چگونگی ساخت هویت دینی توسط نوجوان تعیین‌کننده‌اند. مهم‌ترین این ابعاد تعیین‌کننده خانواده، مدرسه و همسالان است که نوجوان در مسیر هویت‌یابی دینی، تحت تأثیر این منابع و واکنش به تجربه دینی موجود در آن‌ها قرار می‌گیرد. اکنون چند پرسش مطرح می‌شود: نگرش نوجوان به دینداری چگونه است؟ باور و مفهوم دینداری از نظر نوجوانان چیست؟ آموزش و نظام تربیتی خانواده، مدرسه و همسالان چه نقشی در ساخت هویت دینی آن‌ها دارد؟ و نگرش

1. Kelley
2. Arweck & Nesbitt
3. Shek
4. Phalet

آن‌ها به خود به عنوان فرد دیندار چگونه است؟ آیا خود را به عنوان دیندار پذیرفته‌اند یا خیر؟ در این مقاله سعی شده ضمن پاسخ به این سؤالات، نقش ابعاد مزبور در ساخت هویت دینی نوجوان را روشن تر کند.

روش

پژوهش حاضر از نظر رویکرد جمع‌آوری داده‌ها، کیفی است. از بین روش‌های مختلف تحقیق کیفی در پژوهش حاضر، از شیوه پدیدارشناسی^۱ استفاده شده است و بدون تکیه بر فرضیه‌های ازپیش تعیین شده، به واسطه گفتگو با دانش‌آموزان، به ادراک و توصیف آن‌ها از هویت دینی پرداخته و ابعاد این تجربه زیسته را بررسی نموده است. شرکتکنندگان در این پژوهش با شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش شامل ۲۱ نفر دانش‌آموز دختر محدوده سنی ۱۳ الی ۱۶ سال که در دبیرستان متوسطه اول شهید کلاهدوز واقع در شهر تهران در نیمسال دوم (۱۳۹۶-۱۳۹۷) درس می‌خواندند انتخاب شدند. سه معیار برای انتخاب لحاظ گردید: ۱. حضور ثابت دانش‌آموز در مدرسه، ۲. سن ۱۳ الی ۱۶ سال، ۳. تمایل به گفتگو و مشارکت در پژوهش. انتخاب آزمودنی‌ها تا حد اشباع^۲، یعنی زمانی که در خلال مصاحبه هیچ اطلاعات جدیدی به دست نیامد، ادامه یافت.

در این پژوهش به دلیل ماهیت اکتشافی، از نوع مصاحبه نیمه‌ساختاریافته^۳ بنا به فرصت پیش آمده استفاده شده است. این نوع مصاحبه که به مصاحبه پدیدارشناسی نیز مشهور است، نوع خاصی از مصاحبه جامع است که بر پایه روش نظری پدیدارشناسی قرار دارد و در آن منبع اصلی اطلاعات مصاحبه عمیق و ژرفی است که به صورت مشارکتی بین پژوهشگر و مصاحبه‌شونده انجام می‌گیرد. پرسش‌ها در این نوع مصاحبه محدود به فرضیه‌ها نیست و بر اساس هیچ نوع متغیر ازپیش تعیین شده‌ای انجام نمی‌شود؛ با این حال این نوع مصاحبه به دلیل دربرگیرندگی توالی و رئوس کلی مشخص برای پرسش‌ها، امکان تبعیض میان پاسخ‌دهندگان را به حداقل می‌رساند و می‌تواند پایایی بیشتری داشته باشد (گال، بورگک و گال، ۱۳۸۶).

سؤالات مصاحبه به صورت باز پاسخ و بر اساس اهداف و پیشینه نظری پژوهش توسط پژوهشگران طراحی گردید. در ابتدا مصاحبه با چند سؤال کلی که «دیندار بودن از

1. Phenomenological research method
2. Saturation
3. Semi-structured interview

نظر شما به چه معناست؟ خود را با چه ارزش‌ها و باورهایی تعریف می‌کنید؟ چقدر به اعتقادات خود اطمینان دارید؟ در مواقع سختی در زندگی چقدر باورها می‌تواند به سازگاری شما کمک کند؟» آغاز می‌شد و به مشارکت کنندگان اجازه می‌داد به موضوع هویت دینی خود در این حوزه به صورتی که علاقه داشتند، نزدیک شوند. در ادامه، با توجه به پاسخ‌های مشارکت کنندگان و با در نظر داشتن هدف پژوهش، سؤالات جدیدتری پرسیده می‌شد. سپس برای انجام تحلیل‌های بعدی، مصاحبه‌ها به دقت روی کاغذ پیاده شد. لازم به ذکر است که برای محفوظ ماندن مشخصات آزمودنی‌ها، در گزارش نقل قول‌ها از عبارات (شرکت‌کننده شماره ۱، ۲ و ...) استفاده شد.

جهت رعایت اصول اخلاقی از راهبردهای زیر استفاده شد:

- پیش از شروع کار از شرکت کنندگان رضایت‌نامه شفاهی گرفته، و پس از آن صدایشان ضبط شد.

- پیش از شروع کار، مشارکت کنندگان از موضوع و روش اجرا مطلع گردیدند.

- از اطلاعات خصوصی و شخصی داوطلبین محافظت گردید.

- مشارکت در پژوهش هیچ‌گونه بار مالی برای مشارکت کنندگان نداشت.

به منظور تحلیل داده‌ها از روش کلایزی^۱ استفاده شد. انجام مراحل کلایزی بدین صورت بود که پژوهشگران کلیه توصیف‌های شرکت کنندگان را مکرراً مطالعه کردند و به منظور درک این مفاهیم، با آنان هم‌احساس می‌شدند. سپس جملات و واژگان مرتبط با پدیده مورد مطالعه را استخراج کرده و به هر کدام از جملات استخراج شده معنی و مفهوم خاصی می‌دادند. بعد از مرور توصیفات شرکت کنندگان، مفاهیم مشترک درون دسته‌های خاص موضوعی قرار داده شد و جهت موثق نمودن مطالب به توضیحات اصلی مراجعه می‌شد. در مرحله بعد عقاید استنتاج شده به توصیفی جامع و کامل تبدیل شد و در نهایت یافته‌های نهایی، به منظور اطمینان از موثق بودن آن‌ها، به شرکت کنندگان ارائه شد.

جهت بررسی اعتبار و صحت داده‌های پژوهش، از چهار معیار قضاوت شامل اعتبار^۲، انتقال‌پذیری^۳، اطمینان‌پذیری^۴ و تأییدپذیری^۵ که توسط گوبا و

1. Colaizi
2. Credibility
3. Transferability
4. Dependability
5. Confirmability

لینکن^۱ (۱۹۸۵، ۱۹۹۴) پیشنهاد شده، استفاده شد. برای تضمین اعتبار، درگیری مداوم با موضوع و داده‌های پژوهش وجود داشت. از نظرات اساتید در ارتباط با روند انجام مصاحبه‌ها و تحلیل آن‌ها استفاده شد. برای بررسی اطمینان‌پذیری داده‌ها از نظارت همکاران متخصص استفاده شد و متن مصاحبه‌ها برای بررسی دقیق‌تر کدگذاری‌ها به همکاران ارائه شد. برای رسیدن به اصل انتقال‌پذیری، سعی شد از نوجوانان در بازه سنی مختلف مصاحبه شود. افزون بر این، جهت تأمین تأییدپذیری، سعی شد پژوهشگران قضاوت‌ها و سوگیری‌های خود را تا حد امکان در کار دخالت ندهند و با ثبت همه مراحل انجام کار و داده‌های حاصله و حفظ مستندات در تمام مراحل پژوهش، به تضمین قابلیت تأیید این پژوهش کمک کنند.

یافته‌ها

داده‌های حاصل از مصاحبه در فرایند تحلیل کلاسیزی، مقوله‌بندی، مقایسه مداوم و مفهوم‌سازی شد و بر پایه آن، یافته‌ها شامل ۳ بخش به شرح زیر استخراج شد:

جدول ۱ باور و مفهوم دینداری از نظر نوجوانان

مفاهیم اولیه	مضمون فرعی
تعریف دینداری مبتنی بر باور، احساس و اعتقاد به خدا	مفهوم دینداری
تعریف دینداری مبتنی بر پایبندی به دستورهای دینی	
تعریف دینداری مبتنی بر رعایت اخلاقیات، وجدان و اصول انسانی	
تعریف دینداری به شکل تقلیدی	
باور به اصول دین، قرآن و احادیث ائمه (امامت)	باورهای دینی
انجام آداب دینی فردی	تعهد به اعمال و رفتارهای دینی
حضور در مکان‌های مذهبی	
پایبندی به بُعد عملی - مناسکی	
انجام احکام الهی	

جدول ۲ آموزش و الگوگیری در هویت دینی در نوجوان

مفاهیم اولیه	مضمون فرعی
سبک تعاملی خانواده آزاداندیش	نقش ارتباطی-آموزشی و الگویی خانواده
هماندسازی با خانواده	
پاسخگو بودن خانواده	
سبک فرزندپروری مقتدرانه	
سبک فرزندپروری مستبدانه	نقش مقاومتی خانواده
دلبستگی ناایمن	
تشویق‌های مدرسه	نقش تشویقی و آموزشی مدرسه
اختصاص برنامه مختص انجام اعمال مذهبی	
تأثیر جو مذهبی مدرسه	
تأثیر معلمان و مشاوران مذهبی	
مباحثه مذهبی در مدرسه	
اجباری بودن انجام اعمال مذهبی	نقش اجبار و الگویی مدرسه در دین‌گرایی یا دین‌گریزی
برخورد نامناسب مسئولان مدرسه	
دین‌زدگی در مدرسه	
کمک به دینداری	
هماندسازی با دوستان	نقش همسالان
انتخاب دوستانی شبیه به خود	
صحبت با دوستان مذهبی مشابه خود	
احترام به عقاید مخالف سایر دوستان	

جدول ۳ نگرش به خود به عنوان فرد دیندار

مفاهیم اولیه	مضمون فرعی
احساس رضایت ناشی از باور داشتن به اعتقادات	التزام و احساس رضایت از دینداری خود در حوزه عمل و باور
احساس رضایت ناشی از انجام واجبات و مستحبات	
احساس رضایت ناشی از توجه به اصول و فروع دین	
احساس رضایت ناشی از داشتن سبک زندگی دینی	
رشد عزت نفس	پیامدهای دینداری و احساس رضایت
کشف هویت خود	
رشد رفتارهای اجتماعی مثبت	
احترام به عقاید خود و دیگران	
به دست آوردن آرامش درونی	

نارضایتی ناشی از کاهلی در انجام وظایف دینی	نارضایتی نسبی از خود به واسطه دینداری خویش
نارضایتی ناشی از احساس نیاز به تلاش بیشتر دانستن مفاهیم دینی	
شک و تردید در باورهای دینی	تردید و جستجو
کاوش برای یافتن چرایی مسائل دینی	

بر پایه تحلیل و تفسیر بیانات مشارکت کنندگان، یافته‌های پژوهش در ۳ طبقه (۱) باور و مفهوم دینداری برای نوجوان، (۲) آموزش و الگوگیری در هویت دینی، (۳) نگرش به خود به عنوان فرد دیندار بررسی شده است.

۱-۱ مفهوم دینداری: در بررسی تعریف دختران نوجوان مشارکت کننده از دینداری می‌توان چهار بنیان متفاوت در تعریف دینداری مشاهده نمود:

● برخی شرکت کنندگان در تعریف خود از دینداری بر باور، احساس و اعتقاد به خدا پرداخته‌اند: باور به خدا از ته دل / اعتقاد به وجود خدا در همه جا / دینداری یعنی عاشق خدا بودن.

● اغلب پاسخگویان در تعریف خود از دینداری بر پایبندی به دستورهای دینی اشاره کردند: انجام دستورهای الهی / نماز، روزه، حجاب / دیندار کامل امامان هستند / پیروی از دستورهایی که خدا بر ایمان فرستاده مثل نماز و حجاب.

● گروه کوچکی از پاسخگویان در تعریف خود از دینداری به رعایت اخلاقیات، وجدان و اصول انسانی توجه داشتند: رعایت اصول انسانی و غیبت نکردن به نظرم اصل دینداری است / عمل به دستورهای اخلاقی مانند پایمال نکردن حق دیگران و خوش اخلاقی دینداری است / ریاکار نبودن و رعایت اصول اخلاقی همان دین است / انسان بودن یعنی دین نه هیچ چیز دیگری / دینداری یعنی وجدان که منجر به آرامش درونی شود.

● برخی دیگر نیز در تعریف دینداری تبعیت از دیگران را مطرح نموده و دینداری را به شکل تقلیدی توصیف کردند: تعریف درستی از دین و دینداری ندارم. تعریفم همان اعتقاداتی است که مردم دارند/ همان چیزی که از بچگی از خانواده و دیگران درباره دین شنیدیم.

۱-۲ باورهای دینی: مطابق اظهارات افراد مشارکت کننده در پژوهش حاضر،

باورهای دینی شامل باور به اصول دین اسلام، یعنی توحید، معاد، نبوت و در کنار آن باور به قرآن به عنوان منبع وحی الهی و احادیث منقول از ائمه (امامت) است. در بعد باور به اصول قرآن و حدیث ائمه (امامت) مشارکت کنندگان اذعان داشتند: تمام ارزش‌ها و باورهای من اصول قرآن و حدیث امامان است / زندگی ما از اساس بر پایه قرآن است / خیلی سعی می‌کنم همانند قرآن عمل کنم.

۳-۱ تعهد به اعمال و رفتارهای دینی: نتایج نشان می‌دهد بخش کثیری از مشارکت کنندگان به انجام آداب دینی فردی (از جمله نماز، روزه، حجاب) متعهدند و همچنین در این میان بیشترین تعداد از نوجوانان نسبت به حضور در مکان‌های مذهبی، اعم از مسجد، زیارتگاه‌ها و حرم شریف ائمه احساس مثبت دارند. در ادامه نمونه‌ای از گزارش‌های شرکت کنندگان ارائه شده است.

● مشارکت کنندگان در زمینه انجام آداب دینی فردی اشاره کردند: نماز برایم ارزش زیادی دارد و به آن علاقه دارم، رعایت محرم و نامحرم و واجبات برایم مهم است.

● مشارکت کنندگان در زمینه حضور در مکان‌های مذهبی بیان کردند: مسجد و حرم امام رضا برایم خیلی حس نزدیکی به خدا را می‌دهد / هر وقت دلم می‌گیرد به امامزاده‌ها می‌روم / آرامش در حرم وجود دارد.

● در بُعد پایبندی عملی-مناسکی به باورهای دینی، مشارکت کنندگان اظهار داشتند: اعمال مستحبات و واجبات را انجام می‌دهم / از انجام اعمال لذت می‌برم / وقتی مناسکی پیش بیاید با کمال میل در انجام شرکت می‌کنم.

● در بعد انجام احکام الهی، مشارکت کنندگان بیان کردند: احکام الهی مانند نماز و قرآن برایم باارزشند و انجام احکام و کیفیت آن مهم است / از احکام هر آنچه بتوانم انجام می‌دهم.

در واقع نگرش اکثر دختران نوجوان در پژوهش حاضر از دینداری مبتنی بر پایبندی به دستورها و مناسک دینی است و بعد اعتقادی و باورها در گروه شرکت کنندگان کمتر دیده می‌شود. تعریف بخشی از دختران نوجوان صرفاً از باور دینی فراتر رفته و دینداری را با رعایت اخلاقیات و اصول انسانی مرتبط دانسته‌اند و نگرش شخصی و وجدانی را به آن وارد کرده‌اند. این یافته با نتیجه پژوهش موسوی و همکاران (۱۳۹۰) مبنی بر نگرش اغلب نوجوانان شهر زنجان به مناسک و رفتارهای دینی همسو بوده و تأیید می‌کند که برای اغلب نوجوانان، دینداری محدود به تبعیت از رفتارهای دینی است. در این

زمینه می‌توان گفت با توجه به مرحله رشدی که نوجوان در آن قرار دارد و شروع تفکر انتقادی، می‌بایست به تلاش‌های شناختی وی در خصوص رسیدن به باورها و ارزش‌های دینی مجال بیشتری داد؛ این در حالی است که وجود تردید دینی و توضیح چرایی و چگونگی دین بر رشد هویت دینی در نوجوانان و رسیدن به تعریف درست کمک می‌کند (کلانتون، ۲۰۲۱). در واقع نوجوانان ابتدا دارای هویت ضبط‌شده‌اند و بر اساس دریافت‌های خود از دیگران (خانواده و مدرسه) خود را مذهبی یا غیرمذهبی می‌یابند و بر این اساس دست به عمل متناسب با دستورهای الهی می‌زنند و بدان تعلق می‌یابند. اما این بدان معنا نیست که فرد در این مسیر دست به اکتشاف عمیق‌تر نمی‌زند، بلکه در مسیر عمل به مناسک، در عین حال که برای نوجوان تعهدزا است، به باوریابی وی کمک بزرگی می‌کند، به طوری که نوجوان در افزایش تعهد دینی خود که ناشی از تلاش‌های اکتشافی عمیق‌تر و گسترده‌تر است، به درک رضایت‌بخش‌تری از فعالیت‌های دینی فعلی خود می‌رسد (پرائیتاساری، ۲۰۱۹). به عبارتی وقتی نوجوانان شروع به ایجاد هویت دینی و معنوی خود می‌کنند، نشان دادن تعهد خود را از طریق افکار و رفتار خویش آغاز می‌کنند. نوجوانان تعهد خود را به مذهب و معنویت به روش‌های مختلف مانند شرکت در نماز، مطالعه کتب مقدس یا شرکت در مراسم مذهبی ابراز می‌کنند (چاویس^۱، ۲۰۱۷). پوتنام و کامپبل^۲ (۲۰۱۲) نیز بیان کردند که نوجوانان تعهد خود به معنویت را با شرکت در نماز و تأمل در جنبه‌های معنوی زندگی نشان می‌دهند.

در مجموع وقتی نوجوانان شروع به ایجاد هویت مذهبی یا معنوی می‌کنند، تعهد خود به گروه یا ایدئولوژی را ابراز می‌کنند. تعهد مذهبی اغلب از طریق ابراز عقیده به خدا یا شرکت در مراسم مذهبی نشان داده می‌شود. تعهد معنوی اغلب از طریق دعا یا تأمل در جنبه‌های معنوی زندگی خود بیان می‌شود (آندروود^۳، ۲۰۱۱). از طرف دیگر، توجه به ترجیحات شخصی نوجوان نیز امر مهمی است، به طوری که بعضی نوجوان مستعد اکتشاف بیشترند و برخی دیگر ترجیح می‌دهند در فضای امنی که توسط دیگران برایشان ترسیم شده به سر ببرند؛ به عبارت دیگر، ترجیحات شخصی عامل منحصر به فرد و مؤثری در هویت دینی نوجوانان است (قیاس و شهیدا، ۲۰۲۱). زنان همچنین به احتمال زیاد تعهد

1. Chaves
2. Putnam & Campbell
3. Underwood

مذهبی خود را از طریق دعا بیان می‌کنند و در مراسم مذهبی شرکت می‌کنند (پتس^۱، ۲۰۱۴). وقتی نوجوانان شروع به استفاده از سرمایه اجتماعی و درونی کردن اعتقادات دینی خود می‌کنند، در واقع در حال معنابخشی به زندگی خود هستند (کلاتون، ۲۰۲۱)، و این نشانه مهم در جهت ساخت هویت دینی است، زیرا نوجوانان در حالی که به دنبال شکل‌گیری هویتند، سؤالاتی می‌پرسند تا کشف کنند که چه کسی هستند و به کجا تعلق دارند (اریکسون، ۱۹۶۸).

۲-۱ نقش ارتباطی - آموزشی و الگویی خانواده: در واقع تعداد زیادی از نوجوانان مشارکت‌کننده عمل دینی خود را به رفتار والدین و محیط خانه نسبت می‌دادند. آن‌ها این منطق را ارائه می‌کردند که نماز، قرائت قرآن و روزه گرفتن را از والدینشان یاد گرفته‌اند. سبک تعاملی خانواده آزاداندیش، همانندسازی با خانواده، پاسخگو بودن خانواده و سبک فرزندپروری مقتدرانه از جمله مفاهیم اولیه بودند. اتخاذ سبک والدگری مقتدرانه هدف بهینه‌ای برای بسیاری از پدر و مادرهاست، زیرا به ایجاد صمیمیت و عشق متعادل نیاز دارد و تربیت کودک را با ایجاد مقررات، برقراری محدودیت‌ها و عمل به شکلی پیش می‌برد که فرزندان تمام مسئولیت‌های خود را به انجام برسانند. این روش والدگری باعث ایجاد اعتماد به نفس، شادی، انعطاف‌پذیری و پایداری در فرزندان می‌شود. کلید موفقیت در والدگری مقتدرانه آن است که زیاد از حد به سمت آسان‌گیری و سهل‌انگاری متمایل نشود. به نظر می‌رسد نقش الگویی نیز در این سبک والدگری میسر می‌شود. در بررسی نقش خانواده در حوزه دینداری دختران نوجوان مشارکت‌کننده می‌توان شش مؤلفه ارتباطی با خانواده مشاهده کرد:

● در مفهوم سبک تعاملی خانواده آزاداندیش مشارکت‌کنندگان بیان کردند: خانواده خیلی نسبت به مسائل دینی حساس بود / خانواده نه خیلی باز بود نه خیلی بسته / در مورد مسائل دینی در خانواده حرف می‌زدیم.

● در مفهوم همانندسازی با خانواده مشارکت‌کنندگان گفتند: من خیلی خوشحالم که مثل مامانم چادریم / هر کار مذهبی خانواده‌ام انجام بدن منم انجام می‌دهم / هممون مثل همیم تو خانواده.

● در مفهوم پاسخگو بودن خانواده مشارکت‌کنندگان اذعان کردند: هر سؤال دینی می‌پرسم خانواده‌ام جواب میدن / خانواده‌ام نمی‌ذارن چرایی تو ذهن من بمونه.

● در ارتباط با سبک فرزندپروری مقتدرانه نیز نوجوانان بیان کردند: رابطه من با والدینم خیلی خوبه / نه خیلی آزادم نه محدود / هممون تو خانواده حد خودمون رو می‌دونیم.

۲-۲ نقش مقاومتی خانواده: بررسی‌ها نشان می‌دهد تعدادی از نوجوانان به رفتارهای زورگویانه و کنترل‌گرانه خانواده خود در ارتباط با دین اشاره کردند. خانواده‌هایی که در تربیت دینی فرزندان خود از نظر عملی بسیار سختگیر و به شدت آمرانه عمل می‌کنند، دینداری فرزندان را تحت تأثیر ترس قرار می‌دهند. در این حالت نوجوان عمل دینی را صرفاً برای جلب رضایت والدین انجام می‌دهد، و شاید در درون خود اعتقادی به این رفتارهای مذهبی نداشته باشد. البته باید توجه داشت که واکنش نوجوانان به زورگویی و کنترل‌گری مذهبی توسط والدین می‌تواند متفاوت باشد و ممکن است برخی را وارد فضای سرکشی و لجبازی کند. این شیوه برخورد والدین را می‌توان شبیه سبک استبدادی در فرزندپروری دانست که در مواردی منجر به تأییدطلبی نوجوان در دینداری خود می‌شود و ممکن است ناشی از عدم دل‌بستگی ایمن باشد:

● برخی نوجوانان به اجبار در دینداری توسط والدینشان اشاره کردند: در دینداری تحت اجبار خانواده هستم و آن‌ها مرا از دین متنفر کرده‌اند / مادرم با اطلاعاتی که راجع به دین به من می‌دهد مرا دل‌سرد کرده است.

● برخی نوجوانان به موضوع جلب رضایت و تأیید مذهبی در بین خانواده اشاره کردند: همه کارهای مذهبی‌ام از ترس والدینم هست که از دوره کودکی در من به وجود آوردند / می‌ترسم اگر نماز نخونم بابام منو دوست نداشته باشه / از کودکی خیلی بد در مورد دین توضیح دادند.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد خانواده به عنوان اولین رکن اجتماعی، می‌تواند مهم‌ترین نقش را در هویت دینی نوجوانان داشته باشد. اگر سبک تعاملی والدین-نوجوان در حوزه مسائل دینی به اندازه کافی رشدیافته باشد، به هویت دینی نوجوانان کمک می‌کند. بنابراین احتمالاً نوجوانان با سبک تعامل محدود نمی‌توانند به سازگارترین وضعیت هویت مذهبی برسند که احتمالاً از آن روست که افراد مهم زندگی هویت مذهبی او را تحت تأثیر قرار داده‌اند (پراثیتاساری، ۲۰۱۹).

۲-۳ نقش تشویقی و آموزشی در مدرسه: نتایج این بخش نشان می‌دهد دختران نوجوان مشارکت‌کننده با اشاره به تشویق‌های مدرسه، اختصاص دادن زنگ‌های خاص به

انجام اعمال مذهبی، تأثیر جو مذهبی مدرسه، تأثیر معلمان و مشاوران مذهبی، مباحثه مذهبی در مدرسه تأثیرگذارترین مؤلفه‌های آموزش هویت دینی را معرفی کرده‌اند:

● برخی شرکت‌کنندگان در نقش آموزشی مدرسه به تشویق‌های مدرسه اشاره کردند: به خاطر رعایت مسائل مذهبی و تشویق تأثیر مثبتی داشته است / همین که مدرسه تشویق می‌کند من بیشتر علاقه‌مند می‌شم.

● تعدادی از شرکت‌کنندگان در نقش آموزشی مدرسه به تأثیر اختصاص دادن زنگ‌های خاص به انجام اعمال مذهبی پرداختند: زنگ نماز و باحجاب بودن در این مدرسه به دینداری من کمک کرده است / خیلی زنگ نماز و قرآن رو دوست دارم.

● برخی شرکت‌کنندگان در نقش آموزشی مدرسه به تأثیر جو مذهبی مدرسه اذعان داشتند: با سختگیری سعی می‌کنند ما را دیندار کنند ولی بیشتر ما را زده می‌کنند / اینکه تو مدرسه مذهبی درس بخونی خیلی روی من تأثیر داشت.

● بعضی شرکت‌کنندگان در نقش آموزشی مدرسه به تأثیر معلمان و مشاوران مذهبی اذعان داشتند: در این مدرسه زده‌تر شدم نسبت به دین چون معلما فقط در مدرسه ظاهر مذهبی دارند و این مرا دچار تناقض کرده است و مدرسه بچه‌ها را دین‌زده کرده است.

● تعدادی از شرکت‌کنندگان در نقش آموزشی مدرسه به مباحثه مذهبی در مدرسه اشاره داشتند: چون در مورد هر چرایی مذهبی بحث می‌کردیم، خیلی از سؤالات ما پاسخ داده می‌شد / در مورد هر مشکل مذهبی می‌توانستیم راحت بحث کنیم.

۴-۲ نقش اجبار و الگویی مدرسه در دین‌گرایی یا دین‌گریزی: بررسی نتایج نشان می‌دهد مواجهه نوجوانان با اجبار در مدرسه متفاوت بود. اجبار می‌تواند برای برخی جنبه تسهیل داشته باشد و برای برخی جنبه دفاعی نسبت به دین. بررسی‌ها حاکی از آن است که اجباری بودن انجام اعمال مذهبی در هویت‌یابی دینی برخی نوجوانان می‌تواند اثر عکس داشته باشد و به همان میزان عده‌ای نسبت به این اجبار و جو مذهبی احساس رضایت دارند و به دینداری آن‌ها کمک می‌شود.

● شرکت‌کنندگان در ارتباط با اجباری بودن انجام اعمال مذهبی بیان کردند: مدرسه ما رو مجبور می‌کرد از اول ابتدایی نماز بخونیم / خیلی نسبت به حجاب سخت می‌گیرن.

● شرکت‌کنندگان در ارتباط با برخورد نامناسب مسئولان مدرسه گفتند: مدیر

مدرسه خیلی نسبت به حجاب بد برخورد می کند / اصلاً رفتار بد مدیر و معاون بدتر ما رو از دین زده کرده.

● شرکت کنندگان در ارتباط با دین زدگی در مدرسه گفتند: بهتره اصولی مسائل دینی رو بگن چون اگر اینجور نباشه ما بیشتر زده می شیم / معلما با رفتار بدشون ما رو از دین زده می کنند.

بر اساس نتایج پژوهش حاضر، مدرسه می تواند دومین پایگاه اجتماعی نوجوان باشد که از سوئی احتمالاً می تواند سبب رشد هویت دینی وی شود و از سوی دیگر مانع پیشرفت این نوع هویت شود. نورونی، جعفر، حسن و نوآ^۱ (۲۰۱۹) استدلال کردند که محیط آموزشی بینش گسترده، تحلیلی و انتقادی نسبت به مسائل اجتماعی را تشویق و توسعه هویت را تسهیل می کند.

نکته نخست در ارتباط با مدرسه این است که مدرسه بستری ارتباطی برای نوجوان فراهم می کند که می تواند در آن دوستان و همسالان هم فکر و عقیده خود پیدا کند و با آن ها وارد تعامل مثبت شود (هاردی و کارلو^۲، ۲۰۱۱). مدرسه مذهبی که مورد پژوهش حاضر واقع شد، نیز خود نوعی بستر دینی فراهم می کند که می تواند منجر به رشد هویت دینی نوجوان شود. نکته قابل توجه دیگر توجه به جامعه معلمان مدرسه است که نقش اساسی در تثبیت هویت دینی نوجوان دارند. کوهن مالایف، شاختر، ریچ^۳ (۲۰۱۴) دریافتند معلمانی که می توانند الگوهای معناداری برای دانش آموزان خود باشند و مطالعات مذهبی ارزشمندی فراهم کنند، می توانند توسعه هویت مذهبی را تشویق کنند. با توجه به اینکه مدرسه مورد نظر در پژوهش حاضر بافتی مذهبی داشت، احتمالاً معلمان آن نیز دارای هویتی دینی بوده و درصدد رشد این هویت در نوجوانان هستند؛ به عبارت دیگر، ویژگی های معلمان در شکل گیری هویت مذهبی دانش آموزان، خود از اهمیت بسیار برخوردار است، به طوری که وقتی یک معلم با مفاهیم و آموزه های دینی مرتبط است، نه تنها این آموزه ها بر نحوه تدریس او تأثیر می گذارد، بلکه سبب درک بهتر دین در ذهن نوجوان می شود (قیاس و شهیدا، ۲۰۲۱).

نکته اساسی دیگر بحث جوّ درست مدرسه به عنوان بستر رشددهنده هویت دینی است. وقتی محیط های مذهبی و معنوی به طور مناسب ساختار بندی شوند، تأثیر مثبتی بر

1. Nooroney, Jaafar, Hassan & Noah
2. Hardy & Carlo
3. Cohen-Malayev, Schachter & Rich

پیشرفت هویت دینی در نوجوانان دارند (دولینگ^۱ و همکاران، ۲۰۰۴). با توجه به نتایج پژوهش حاضر، هر چقدر محیط مدرسه سرشار از تشویق و حمایت باشد، می‌تواند کمک بزرگی به هویت دینی نوجوان کند. در مقابل هر چقدر فضا توأم با اجبار و برچسب‌زنی‌های غیردینی باشد، احتمال اینکه نوجوانان را از مسیر دینداری دورتر کند بیشتر است. محیط‌های مذهبی و معنوی که ساختار خوبی دارند، راه‌هایی برای نوجوانان ایجاد می‌کنند تا هویت دینی خود را کشف کنند (ریدینگر^۲، ۲۰۱۵). فعالیت‌های مختلف مذهبی، مانند مطالعه تدریس‌محور قرآن، برگزاری اردوی دینی، اختصاص زمان کافی به اوقات فراغت نوجوانان و ترکیب آن با دینداری، ترتیب لیگ‌های ورزشی و برقراری اردوگاه‌های تابستانی دین‌محور که منجر به تشویق نوجوان به بحث در مورد دین و در نهایت رشد ایمان در آن‌ها شود، بسیار کمک‌کننده است (پینکنی، کلانتون، گارس و پول^۳، ۲۰۲۰). اکلز و گوتمن^۴ (۲۰۰۲) هشت ویژگی از ساختار مثبت رشد هویت دینی نوجوانان فهرست کرده‌اند که شامل برخورداری از ایمنی فیزیکی و روانی، روابط حمایتی، ایجاد فرصت‌های محبت و تعلق به نوجوانان، ایجاد هنجارهای اجتماعی مثبت، بسترسازی مناسب برای ایجاد فرصت‌هایی به منظور کسب مهارت‌های مهم نوجوانی و ادغام خانواده و مدرسه و تلاش اجتماعی این نهاد برای پرورش هویت دینی نوجوان است.

نکته قابل توجه دیگر بحث تأثیر برخورد مناسب یا نامناسب مسئولان مدرسه مذهبی و تأثیر آن در دین‌زدگی یا دین‌گرایی دانش‌آموزان است. همه اجزای مدرسه، از جمله معلم، کتب درسی، همکلاسی‌ها، مدیر و حتی مستخدم مدرسه در ارتباط با دانش‌آموز قرار دارند و لذا دوازدهن نیست که دانش‌آموز از طریق مشاهده و تقلید، به درون معلم برود و گفتار و رفتارش را الگو قرار دهد. بنابراین معلم برای موفقیت در امر تربیت دینی دانش‌آموزان، باید تربیت را از خود شروع کند و خود به تمام توصیه‌هایی که می‌کند عمل کند. با توجه به اهمیت الگوپذیری در این سن، اگر این مراقبت در مدارس مذهبی لحاظ شود، این مدارس می‌توانند منجر به دین‌گرایی بیشتر دانش‌آموزان شوند؛ در غیر این صورت ممکن است سبب دلزدگی آن‌ها گردند. باید به این نکته نیز توجه داشت که تحصیل در مدرسه مذهبی نیازمند پذیرش تمام چارچوب‌های تعریف‌شده‌اش، مانند اجبار

1. Dowling
2. Riedinger
3. Pinckney, Clanton, Garst & Powell
4. Eccles & Gootman

به حجاب یا نماز، است. طبیعتاً وقتی دانش آموزی فاقد هویت دینی است انتظار می‌رود که رغبتی به تحصیل در چنین مدارسی نداشته باشد و اینکه چرا خانواده انتخاب می‌کند که فرزندش با هر فرایند هویتی در این مدرسه تحصیل کند، خود نیازمند بررسی است.

۲-۵ نقش همسالان: مشارکت کنندگان نوجوان به مفاهیم همانندسازی با دوستان، انتخاب دوستان شبیه خود، صحبت با دوستان مذهبی مشابه خود و احترام به عقاید مخالف سایر دوستان اشاره کرده بودند که در نتیجه این گزارش حدود ۴۲ درصد از مشارکت کنندگان اذعان داشتند که همسالان بر دینداری آنان اثری مثبت دارند.

● در مفهوم همانندسازی با دوستان تعدادی از شرکت کنندگان گفتند: چون دوستانم مثل خودم در دینداری هستند کمک مثبتی در دیدگاه مذهبی به هم می‌کنیم / توی کارهای مذهبی از هم تقلید می‌کنیم.

● در مفهوم انتخاب دوستان شبیه خود تعدادی از شرکت کنندگان گفتند: دوست و همنشین در من تأثیرات زیادی دارند و اینجا دوستان خوبی دارم که شبیه خودم هستند و اثر مثبتی دارند / همون اول دوستای مثل خودم رو انتخاب کردم.

● در مفهوم صحبت با دوستان مذهبی مشابه خود تعدادی از شرکت کنندگان گفتند: خیلی وقتاً با هم میریم بیرون و در مورد مسائل مذهبی حرف می‌زنیم / اینکه دوستان باهات هم عقیده باشن صحبت رو لذت بخش می‌کنه.

● در مفهوم احترام به عقاید مخالف سایر دوستان تعدادی از شرکت کنندگان گفتند: من همه جور دوستی دارم توی زمینه مذهبی و بهشون احترام می‌ذارم / من به عقاید دوستایی که تم مذهبی ندارن هم احترام می‌ذارم.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد گروه همسالان نیز نقش پررنگی در تجربه هویت دینی نوجوان دارند. در تبیین این مورد می‌توان اشاره کرد که نوجوانان زمانی که در گروه همسالان مورد حمایت اجتماعی قرار می‌گیرند و در سیستم‌های ارتباطی جدید ادغام می‌شوند، سطوح بالاتری از عزت نفس و رفاه را گزارش می‌کنند و همین امر سبب شکل‌گیری هویت سالم و سازنده در آنان می‌گردد (آلسویی، استین، وسترو و دمن، ۲۰۱۹). همچنین نوجوانان در صورت همراهی گروه همسالان، توانایی احساس همدلی با دیگران را از طریق مشارکت در مذهب و معنویت توسعه می‌دهند (جیوردانو، پروسک و

لک‌فورد^۱، ۲۰۱۴). همچنین بنا بر گفته کلانتون (۲۰۲۱) تعالی هویت دینی می‌تواند زمانی رخ دهد که نوجوان تجربه تبادلی با یک همسال یا هم‌فکر داشته باشد که الهام‌بخش او باشد و او را تغییر دهد. بنابراین گروه همسالان یا دوستان می‌توانند رفتار دوستان خود را در جهات مختلف هدایت کنند. در این مرحله از زندگی، نوجوانان زمان زیادی را با همسالان خود می‌گذرانند و اگر علایق و رفتارهای مشابهی داشته باشند که ریشه در مذهب دارد، به طور خودکار این ارتباط هویت مذهبی نوجوانان را تقویت می‌کند (قیاس و شهید، ۲۰۲۱).

از جمله یافته‌های دیگر پژوهش حاضر آموزش الگوگیری و هویت دینی نوجوانان است. هر مصاحبه‌شونده در مورد اینکه نقش خانواده، مدرسه و همسالان چقدر برای آن‌ها حیاتی است اشاراتی داشتند. همه آن‌ها نیاز داشتند در یک گروه توأم با احساس راحتی و امنیت عقایدشان را به اشتراک بگذارند و در واقع فضایی بدون قضاوت برای صحبت کردن درباره چیزهایی که در حوزه دین یاد گرفته‌اند داشته باشند. داشتن این مکالمات بین بزرگسالان و همسالان غیروالدینی فرصت‌هایی برای نوجوانان فراهم می‌کند تا در تفکر انتزاعی دینی شرکت کنند و در مورد مسائل دینی بحث کنند؛ به عبارت دیگر، محیطی که گفتگوی عمیق دینی را تشویق می‌کند، به نوجوانان کمک می‌کند تفکر خود را گسترش دهند و به دیدگاهی یکپارچه برای درک بهتر نیازهای دیگران برسند (هولبا^۲، ۲۰۱۴). نوجوانان معمولاً با شرکت در گروه‌های همسالان با گرایش‌های ایمانی و تعامل با الگوهای معنوی، هویت مذهبی و معنوی خود را هدایت می‌کنند (آندروود^۳، ۲۰۱۱). داشتن جامعه‌ای از افراد که دارای سیستم اعتقادی مشابهند، الگوهای فراهم می‌کند که به تأیید دینی و معنوی کمک می‌کند و موجب می‌شود افراد افکار و احساسات خود را به معنا یا هدفی که بزرگ‌تر از خود آن‌ها است (خداوند) منتقل کنند و فرصت‌هایی برای خدمت به جامعه خود پیدا کنند (سچنیکتر، کینگ و هولتبر^۴، ۲۰۱۹). از این رو حضور در یک جامعه دینی می‌تواند بهترین فرصت برای نوجوان جهت تثبیت هویت دینی‌اش باشد.

۳-۱ التزام و احساس رضایت از دینداری در حوزه عمل و باور: مطابق با یافته‌های

پژوهش، حدود نیمی از نوجوانان دختر مشارکت‌کننده از دینداری خود احساس رضایت دارند و بیش از نیمی از آن‌ها ارزیابی نسبی یا نیاز به بهبود در این زمینه داشتند. احساس

-
1. Giordano, Prosek & Lankford
 2. Holba
 3. Underwood
 4. Schnitker, King & Houlberg

رضایت از باور داشتن به اعتقادات، احساس رضایت از انجام واجبات و مستحبات، احساس رضایت ناشی از توجه به اصول و فروع دین و احساس رضایت از داشتن سبک زندگی دینی از جمله مفاهیم این مضمون بودند.

● احساس رضایت از باور داشتن به اعتقادات از جمله مفاهیم نگرش نوجوان به خود به عنوان فرد دیندار بود که نوجوانان شرکت کننده بدان اشاره داشتند: فردی هستم که به آنچه اعتقاد دارم عمل می‌کنم و خدا و پیامبران و امامان را دوست دارم / خودم را قبول دارم تا جایی که توانسته‌ام سعی بر دینداری داشته‌ام و تا اینجا خوب بودم / از آرامش و توجه در دینداری ام خوشحالم. به خودم در اعتقاداتم نمره بیست می‌دهم.

● احساس رضایت از انجام واجبات و مستحبات دیگر مفهومی بود که نوجوانان شرکت کننده بدان اشاره داشتند: دختر مذهبی‌ای هستم که گاهی ممکن است بلغزم اما از اصلم فاصله‌ای ندارم و برای همین احساس آرامش می‌کنم / تا جایی که بتونم واجبات و مستحبات رو انجام میدم.

● احساس رضایت ناشی از توجه به اصول و فروع دین از جمله مفهوم سومی بود که نوجوانان شرکت کننده به آن اشاره داشتند: من خیلی روی اصول دین حساسم / موارد مربوط به اصول و فروع دین رو مدام به خودم گوشزد می‌کنم.

● احساس رضایت از داشتن سبک زندگی دینی مفهوم چهارمی بود که توسط نوجوان به آن پرداخته شد: من از این سبک زندگی که دارم راضیم / اینکه صبح تا شب زندگیم دین هست برای من خوشاینده.

۲-۳ پیامدهای دینداری و احساس رضایت: از آنجا که ایران کشوری مذهبی شناخته

می‌شود و در متون دینی به ویژه آیات و روایات بارها بر رابطه مثبت بین دینداری و ایمان به خدا با رضایت از زندگی و مؤلفه‌های آن (آرامش قلبی، امیدواری، خوش بینی و امثالهم) تأکید شده است، توجه به رابطه بین رضایت از زندگی و دینداری حائز اهمیت است. مفاهیم اولیه این مضمون در پژوهش حاضر نیز شامل رشد عزت نفس، کشف هویت خود، رشد رفتارهای اجتماعی مثبت، احترام به عقاید خود و دیگران، و به دست آوردن آرامش درونی است.

● شرکت کنندگان در بعد رشد عزت نفس اظهار کردند: خیلی به خودم ایمان دارم / نسبت به توانایی‌هایم آگاهم / خودمو قبول دارم.

- شرکت کنندگان در خصوص کشف هویت خود بیان کردند: از وقتی بعد دینی رو قوی کردم، خودمو بهتر شناختم / الان می‌دونم کیم و از زندگی چی می‌خوام.
- نوجوانان مورد مطالعه در حوزه رشد رفتارهای اجتماعی مثبت اشاره کردند: خیلی نسبت به رفتارهای اطرافم حساس تر شدم که یه وقت حق‌الناس به گردنم نباشه / کمتر دیگران رو قضاوت می‌کنم / بیشتر دنبال کمک به دیگرانم.
- شرکت کنندگان در بعد احترام به عقاید خود و دیگران گفتند: من به همه انسان‌ها به عنوان اشرف مخلوقات با هر عقیده‌ای احترام می‌ذارم / احترام به بقیه در حکم احترام به خودم است.
- نمونه‌های حاضر در بخش به دست آوردن آرامش درونی اذعان کردند: با این سبک زندگی آرامش زیادی دارم / وقتی اعمال مذهبی انجام می‌دهم آرامش می‌گیرم.
- ۳-۳ نارضایتی نسبی از خود به واسطه دینداری خویش: نتایج پژوهش نشان داده کاهلی در انجام وظایف دینی و نیاز به تلاش بیشتر برای دانستن مفاهیم دینی سبب شده بود مشارکت کنندگان نارضایتی نسبی را از دینداری خود داشته باشند. بر همین اساس، نوجوانان اظهار کردند:
- کاهلی در انجام وظایف دینی: نه خیلی خوب نه خیلی بد هستم. ارزیابی متوسطی از زندگی دینداری‌ام دارم / در دینداری خوبم ولی در تکالیف دینی کمی کاهلی می‌کنم.
- نیاز به تلاش بیشتر دانستن مفاهیم دینی: تا جایی بتوانم اعمال مذهبی‌ام را انجام می‌دهم ولی گاهی کم‌کاری می‌کنم و خودم را کامل نمی‌دانم و باید رشد کنم.
- ۳-۴ تردید و جستجو: شک و تردید در باورهای دینی و جستجو برای یافتن چرایی مسائل دینی نیز از مفاهیم اولیه نگرش نوجوان به خود به عنوان فرد دیندار بود؛ به عبارت دیگر شرکت کنندگان اشاره داشتند که گاهی برای آنان در ابعاد مختلف دینی سؤال پیش می‌آید و به دنبال جواب آن، به کاوش متون دینی و یا پرسیدن از افراد آگاه ترغیب می‌شوند.
- نوجوانان شرکت کننده در باب شک و تردید در باورهای دینی گفتند: بعضی اوقات با نوشته‌های فضای مجازی شک در من ایجاد میشه اما زود بیخیالش میشم / اگر شک کنم سریع میرم دنبال رفعش.
- نوجوانان شرکت کننده در باب جستجو برای یافتن چرایی مبانی دینی گفتند: خیلی دنبال این هستم که از علت هر کار دینی سر دریاورم / اینکه دلیل یه مسئله دینی را بدونی خیلی لذتبخش است.

سومین مضمون اصلی به دست آمده در پژوهش حاضر نگرش به خود به عنوان فرد دیندار است. باید گفت وقتی نوجوانان شروع به استفاده از سرمایه اجتماعی و درونی کردن اعتقادات دینی خود می کنند، در واقع در حال معنابخشی به زندگی خود هستند (کلانتون، ۲۰۲۱). در این راستا، مک‌هیل^۱ (۲۰۱۹) نشان داده که رضایت از دینداری سبب کشیده شدن به مذهب می شود و جنبه های بسیاری دارد، از جمله حس هویت، ارتقای اعتماد به نفس، دلبستگی عاطفی به گروه، و دوستی با سایر اعضا؛ به عبارت دیگر، نوجوانانی که دارای هویت موفق و حس رضایت از زندگی هستند، احساس امیدواری و جهت‌مندی بیشتری دارند و رفتارهای کاوشگرانه بیشتری از خود نشان می دهند. این نوجوانان قبل از آنکه چگونگی پرداختن به هدفی را و هزینه گذاری برای آن را تعیین کنند، ارزش بالقوه هدف را ارزیابی خواهند کرد (اسنایدر^۲ و همکاران، ۲۰۰۶). حجازی، صبحی و حسینی (۱۳۹۲) نیز در پژوهشی نشان دادند بین دینداری با رضایت از زندگی و شادکامی دختران دانش آموز رابطه وجود دارد؛ از سوی دیگر، وجود نارضایتی با ایجاد بدبینی در افراد در طول مدت نوجوانی موجب انزوا و بی اعتمادی اجتماعی و از بین رفتن سرمایه های اجتماعی می شود و در صورت طولانی شدن چنین حالتی می توان نسل های بعد را نیز به عنوان قربانیان این واقعه در نظر گرفت. تحقیقات نشان داده اهمیت رضایت از دینداری به ویژه در دوران نوجوانی به حدی است که بر اساس آن می توان میزان رفتارهای انحرافی افراد را در آینده و نیز قربانی انحرافات شدن ایشان را پیش بینی کرد (والویس^۳، ۲۰۰۸). در زمینه تردید و جستجو نیز می توان گفت چیرستی ایمان موضوعی بحث برانگیز است و اختلاف نظرها در این خصوص وجود دارد. در این بین، رابطه ایمان با شک از جمله مصادیق مهم این اختلاف نظر محسوب می شود که با تلاش جهت رفع آن به یقین تبدیل می شود (مدنی فر، ۱۳۹۵).

در نهایت می توان گفت کشور ما با مذهب و دین به نوعی درهم تنیدگی دارد. بنابراین معرفی و آشنایی صحیح با دین باید به شکل کاملاً علمی و همراه با آگاهی و در عین حال کارکردی در پاسخگویی به نیازهای معاصر نوجوانان ارائه شود. اگر این کارکرد در مسیر صحیح برآورده کردن نیازهای نوجوانان همخوانی و همسویی داشته باشد، نوجوانان به آن جذب می شوند. در این صورت جامعه صاحب نوجوانانی خواهد شد که

1. McPhail
2. Snyder
3. Valois

دارای هویت دینی تفکر محور و به دور از هر گونه احساسات کاذب خواهد بود که حتی در دوره‌های بعدی زندگی می‌تواند راهگشا باشد.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر پیامد کیفی بودن آن در حوزه تعمیم‌دهی نتایج به سایر نوجوانان است که این مسئله نیاز به توجه دارد. پیشنهاد می‌شود این ساخت هویت دینی در نوجوانان تا بزرگسالی پیگیری و واکاوی شود تا به طور طولی افراد مورد مطالعه عمیق قرار گیرند.

منابع

- استراس، آنسلم و کوربین، جوئیت (۱۳۹۴)، اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها. ترجمه بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بخشایش، علی (۱۳۹۲)، «رابطه بین باورهای مذهبی، بحران هویت و سبک‌های هویت در دانش‌آموزان»، فصلنامه مطالعات ملی، ۵۶، ۳۵-۵۰.
- بلباسی، میثم و باقری، یوسف (۱۳۹۹)، «منشأ پیدایش هویت ملی، پارادایم‌ها و رویکردها». فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۸۲ (۱)، ۱۸۹-۲۱۸.
- گال، مردیت؛ بورگ، والتر؛ گال، جویس. (۱۳۹۵)، روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی، ترجمه گروه مترجمان به اهتمام دکتر احمد رضا نصر. تهران: سمت.
- حجاری، مسعود؛ صبحی، افسانه و حسینی، مرتضی (۱۳۹۲)، «رابطه دینداری با رضایت از زندگی و شادکامی دختران دانش‌آموز»، زن و مطالعات خانواده، ۶ (۲۲)، ۶۱-۷۷.
- سفیری، خدیجه و نعمت‌اللهی، زهرا (۱۳۹۱)، «جهانی شدن و هویت دینی با تأکید بر تفاوت جنسیتی»، مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، ۱۰ (۳)، ۳۹-۶۶.
- کاپلان، پاول اس (۱۳۹۵)، روانشناسی رشد سفر پرماجرایی کودک، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: نشر مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- مدنی فر، محمدرضا (۱۳۹۵)، «ایمان، شک و تربیت دینی»، مجله فلسفه تربیت، ۱ (۱)، ۱-۲۰.
- Alsubaie, M. M., Stain, H. J., Webster, L. A. D., & Wadman, R. (2019), The role of sources of social support on depression and quality of life for university students. *International Journal of Adolescence and Youth*, 24(4), 484-496.
- Arweck, E, Nesbitt, E (2010), Young people's identity formation in mixed faith families: Continuity or discontinuity of religious traditions? *Journal of Contemporary Religion* 25(1): 67-87.
- Barrett, B. (2010), Religion and Habitus: Exploring the Relationship between Religious Involvement and Educational Outcomes and Orientations among Urban African American Students. *Urban Education*, 45(4), 448-479
- Berzonsky, M.D., & Kuk, L. (2005), Identity style, psychological maturity and academic performance, personality and individual difference. *European Journal of Personality*. 39(1), 235-247

- Berzonsky, M. D & Kinney, A. (2019), Identity Processing Style and Depression: The Mediation Role of Experiential Avoidance and Self-Regulation. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 19, 1-15.
- Burns, N., & Grove, S. K. (2010), Understanding Nursing Research-eBook: Building an Evidence-Based Practice. *Elsevier Health Sciences*.
- Carpenter, T. P., Laney, T., & Mezulis, A. (2012), Religious coping, stress, and depressive symptoms among adolescents: A prospective study. *Psychology of Religion and Spirituality*, 4(1), 19-30.
- Clanton, T.R. (2021), "Examining Religious and Spiritual Commitment across Late-Adolescence and Young Adulthood". *All Dissertations*, 28(29), 20-38
- Chaves, M. A. (2017), American religion: Contemporary trends. Princeton University Press.
- Cohen-Malaye, M., Schachter, E. P., & Rich, Y. (2014), Teachers and the religious socialization of adolescents: Facilitation of meaningful religious identity formation processes. *Journal of adolescence*, 37(2), 205-214
- DiPierro, M., Fite, P. J., & Johnson-Motoyama, M. (2018), The Role of Religion and Spirituality in the Association between Hope and Anxiety in a Sample of Latino Youth. *Child & Youth Care Forum*, 47(1), 101-120
- Dowling, E. M., Gestsdottir, S., Anderson, P. M., von Eye, A., Almerigi, J., & Lerner, R.M. (2004), Structural relations among spirituality, religiosity, and thriving in adolescence. *Applied Developmental Science*, 8, 7-16.
- Drexler L. Ortiz; Catherine L. Costigan; (2021), *Religious Identity Formation of Filipino Canadian Youth: Exploring Cluster Differences in Religiosity and Mental Health*. *The International Journal for the Psychology of Religion*
- Eccles, J. S., & Gootman, J. A. (2002), Features of positive developmental settings. *Community Programs to Promote Youth Development*, 86-118.
- Erikson, E.H. (1968), Identity: Youth and crisis. New York, NY: Norton.
- Ghayas Saba, Shahida Batool Syeda. (2021), Religious Identity Formation and Development in Adolescents of Pakistan. *Foundation University Journal of Psychology* 5(1), 24-39
- Giordano, A. L., Prosek, E. A., & Lankford, C. T. (2014), Predicting empathy: The role of religion and spirituality. *Journal of Professional Counseling: Practice, Theory & Research*, 41(2), 53-66.
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1994), Competing paradigms in qualitative research. *Handbook of qualitative research*, 2(163-194), 105.
- Hardy, S. A., & Carlo, G. (2011), Moral identity: What is it, how does it develop, and is it linked to moral action? *Child Development Perspectives*, 5(3), 212-218.
- Hardy, B. W., & Castonguay, J. (2018), The moderating role of age in the relationship social media use and mental well-being: An analysis of the 2016 General Social Survey. *Computers in Human Behavior*, 85, 282-290
- Holba, A. M. (2014), In defense of leisure. *Communication Quarterly*, 62(2), 179-192.
- Kelley, J. (2015), National context, parental socialization, and religious belief in 38 nations as of 2008: The end of national exceptionalism? *Polish Sociological Review*, 191(3), 295-314
- King, P. E., & Boyatzis, C. J. (2015), Religious and spiritual development. *Handbook of child psychology and developmental science*, 1-48.
- Kroger, J. (2015), Identity in Childhood and Adolescence, Editor(s): James D. Wright,

- International *Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Edition)*, Elsevier, 11, 537-542.
- Kulis, S. S., & Tsethlikai, M. (2016), Urban American Indian Youth Spirituality and Religion: A Latent Class Analysis. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 55(4), 677-697.
- Lopes, E. (2010), Learning under Uncertainty: A Grounded Theory Study. In: N. Reynolds., M. Turcsányi-Szabó. (eds) Key Competencies in the Knowledge Society. IFIP Advances in Information and Communication Technology, vol 324. Springer, Berlin, Heidelberg.
- Low, D. H. (2018), The dimensions that establish and sustain religious identity: A study of Chinese Singaporeans who are Buddhists or Taoists. Wipf and Stock Publishers.
- Marcia, J. E. (1980), Identity in adolescence. In J. Adelson (Ed.) Handbook of adolescent psychology. New York, NY: Wiley.
- McAdams, D. (2018), Narrative Identity: What Is It? What Does It Do? How Do You Measure It? Imagination, *Cognition and Personality*. 37, 359-372.
- McPhail, B. L. (2019), Religious heterogamy and the intergenerational transmission of religion: A cross-national analysis. *Religions*, 10(2), 109-125.
- Nooroney, N., Jaafar, W. M. W., Hassan, S. A., & Noah, S. M. (2019), The effect of schema therapy and schema-focused mindfulness therapy on marital communication of Iranian women in Malaysia. *KONSELOR*, 8(3), 71-81
- Petts, R. J. (2014), Family, religious attendance, and trajectories of psychological wellbeing among youth. *Journal of Family Psychology*, 28(6), 759-768.
- Phalet, K., Fleischmann, F., & Hillekens, J. (2018), Religious identity and acculturation of immigrant minority youth: Toward a contextual and developmental approach. *European Psychologist*, 23(1), 32-43.
- Pinckney, H. P., Clanton, T., Garst, B., & Powell, G. (2020). Faith-based organizations: Oft overlooked youth development zones. *Journal of Park and Recreation Administration*, 30(2), 10-1
- Prawitasari Galuh. (2019), The adolescent religious identity development in the transition period: do parents still matter? *KONSELOR*, 8(3), 84-91.
- Putnam, R. D., & Campbell, D. E. (2012), American grace: How religion divides and unites us. Simon and Schuster.
- Saroglou, V. (2012), Adolescents' social development and the role of religion: Coherence at the detriment of openness. In G. Trommsdorff & X. Chen (Eds.), Values, religion, and culture in adolescent development (pp. 391-423). Cambridge University Press
- Schnitker, S. A., King, P. E., & Houlberg, B. (2019), Religion, spirituality, and thriving: Transcendent narrative, virtue, and telos. *Journal of Research on Adolescence*, 29(2), 276-290.
- Shek, D (2013), Spirituality as a positive youth development construct: A conceptual review. *The scientific world journal*, 10(5), 110-90
- Snyder, C. R., Lehman, K. A., Kluck, B., & Monsson, Y. (2006), Hope for rehabilitation and vice versa. *Rehabilitation Psychology*, 51(2), 89-112.
- Riedinger, K. (2015), Identity Development of Youth during Participation at an Informal Science Education Camp. 23.
- Underwood, L. G. (2011), The daily spiritual experience scale: Overview and results. *Religions*, 2(1), 29-50.
- Valois, Robert F. (2008), Applied Sichology: *Aninternational Review*, 57, 80-95